

This is a Persian translation of
A House for Mr. Bisswas
by V. S. Naipaul
Published by Penguin Books, 1977
Tehran 1988
Reprinted 2010

خانه‌ای برای آقای بیسواس

و. س. ناپیل

برندهٔ جایزهٔ نوبل ادبی ۲۰۰۱

ترجمهٔ

مهدی غیرائی



انتشارات نیلوفر

فهرست

۹	یادداشت مترجم
۱۱	شرح حال و آثار نویسنده
۱۵	سرآغاز

بخش نخست

۲۵	۱. روستایی
۵۳	۲. پیش از تولسی‌ها
۹۵	۳. تولسی‌ها
۱۶۱	۴. چیس
۲۳۳	۵. گرین ویل
۳۲۹	۶. عزیمت

بخش دوم

۳۴۵	۱. صحنه‌های شگفت‌انگیز
۴۰۵	۲. مدیریت تازه
۴۳۳	۳. ماجرای شورتهیلز
۴۷۹	۴. در میان درس‌خوان‌ها
۵۴۳	۵. خلأ
۵۸۵	۶. انقلاب
۶۲۷	۷. خانه
۶۴۱	سرانجام

یادداشت مترجم

آقای بیسواس (اگر نه به تمامی) در بسیاری از ما هست. کسی که با همه‌ی دوری این چنین به ما نزدیک است و گاه گویی خود ماست که به زبان می‌آید و دست به عمل می‌زند. او روشنفکری است گرفتار همان کوته‌نظری‌ها، حقارت‌ها، عقده‌ها و هول و هراس‌های جامعه‌ی خود که به شورش مسخره و دون‌کیشوت‌وار در برابر قراردادهای رسوم دست می‌زند و روزبه‌روز این قیدوبندها بیشتر به دست و پایش بسته می‌شود تا سرانجام هلاکش می‌کند.

در این سرزمین تک‌افتاده همه‌چیز ناکام و ناتمام و بی‌سرانجام رها می‌شود و هیچ کوششی هرگز به ثمر نمی‌رسد. همه چون اشباحی سرگردان دور خود می‌چرخند و بیهوده اسیر پیش‌داوری‌ها، خشم‌های حقیر و خرافات خود هستند. با این حال، ناپیُل یکسره بی‌امید نیست. همین قدر که آقای بیسواس با تلاش‌های توان‌فرسا (به قولی چون پیرمرد ماهی‌گیر همین‌گوی) سرانجام صاحب خانه‌ای - هرچند ناقص و ابتر- می‌شود و پسرش را به خارج می‌فرستد، خود نوعی پیروزی است.

شگرد خوددارانه و خشن ناپیُل درخور توجه است. نگاه در اینجا سرد و خشک است، بی‌هیچ جانبداری یا محکوم‌کردنی. انگار این قلم زولاست که چاقوی جراحی به دست گرفته و بی‌ترحم، زخم‌ها و دمل‌ها را می‌شکافد و چرک‌ها را بیرون می‌ریزد. (اکنون برایم روشن است که چرا نویسنده می‌گوید از قصه‌های احساساتی و زیبا خوشش نمی‌آید.) در این کتاب بارها تکرار می‌کند که مادر آقای بیسواس مرده است، تا وقتی به مرگ او برسیم سابقه داشته باشیم و

شرح حال و آثار نویسنده

و. س. (ویدیداهر سوراجپراسد) نایپل در ۱۹۳۲ در ترینیداد و توباگو (از جزایر دریای کارائیب) به دنیا آمد. در ۱۹۵۰ برای تحصیلات دانشگاهی روانه انگلستان شد و از ۱۹۵۴ در لندن به نویسندگی آغاز کرد و از آن پس جز این حرفه‌ای نداشت.

او نویسنده‌ی مشتم مالچی عارف (۱۹۵۷)، برنده‌ی جایزه‌ی جان لوبین ریس مموریال، انتخابات الورا (۱۹۵۸)، خیابان میگل (۱۹۵۹)، برنده‌ی جایزه‌ی سامرست موآم، خانه‌ای برای آقای بیسواس (۱۹۶۱) - هر چهار رمان به ترجمه‌ی این قلم - آقای استون و سلحشوران ملازم (۱۹۶۳)، برنده‌ی جایزه‌ی هاوثورن، مردان مقلد (۱۹۶۷)، جایزه‌ی و. ه. اسمیت و پرچمی بر فراز جزیره (۱۹۶۷)، مجموعه داستان) است که به دنبال آن چهار رمان در کشوری آزاد (۱۹۷۱)، جایزه‌ی بوکر، چریک‌ها (۱۹۷۵)، در خم رود (۱۹۷۹) و معمای رسیدن (۱۹۸۷) را نوشت.

نایپل در جست‌وجوی هویت و تبار خود به سفرهای متعددی به آمریکای لاتین، آفریقا، هند، کشورهای اسلامی غیرعرب رفته و حاصل دید و نگاه خود را به صورتی توأم با شرح احوال خود و سفرنامه و نقد و تحلیل ارائه داده و غالباً با تحسین و گاهی نیز با مخالفت روبرو شده است. او معتقد است که کشورهای مستعمره و شبه‌مستعمره همان‌قدر در سرنوشت خود نقش دارند که استعمار و گرنه پس از استعمار این‌همه فجایع و شناعت از کجا آمده؟

برخی از غیررمان‌ها: گذرگاه میانه (۱۹۶۰)، جوامع مستعمره‌ی هند غربی و

سر آغاز

آقای موهون بیسواس^۱ روزنامه‌نگاری اهل خیابان اسکیم، سنت جیمز، پرت آو اسپین^۲، دوماه‌ونیم پیش از مرگش از کار بی‌کار شد. مدتی مریض و بستری بود. طی کمتر از یک‌سال، بیش از دوماه‌ونیم در بیمارستان کولونیال خوابید و دوران طولانی‌تر نقاهت را در خانه گذراند. دکتر که به او استراحت کامل داد، دیگر چاره‌ای برای روزنامه‌ی ترینیداد سنتینل نماند. یک اختطار سه‌ماهه به او داد و مثل سابق تا روز مرگش هر صبح یک نسخه‌ی مجانی از روزنامه برایش فرستاد. آقای بیسواس چهل‌وشش سال داشت و چهارتا بچه. اما پول و پله‌ای در بساطش نبود. زنش، شاما، هم به‌همچنین. آقای بیسواس از بابت قیمت خانه‌ی خیابان اسکیم، ظرف چهار سال اخیر سه‌هزار دلار بدهکار بود. سرجمع نرخ بهره‌ی هشت‌درصد این بدهکاری به ماهی بیست دلار می‌رسید؛ و اجاره‌ی زمین هم ماهی ده دلار بود. دو بچه‌اش به مدرسه می‌رفتند. دوتای بزرگ‌تر، که آقای بیسواس می‌توانست در رفع مشکلات مالی به آنها تکیه کند، با بورس تحصیلی رفته بودند خارج.

آقای بیسواس خوشحال بود که توی این گیرودار شاما برای درخواست کمک یکرست نرفته سراغ مادرش. ده سال پیش، اولین فکری که به سرش می‌زد همین بود. اما حالا سعی می‌کرد به آقای بیسواس دل‌داری بدهد و خودش هم نقشه‌هایی

1. Mohun Biswas

۲. Port of Spain، پایتخت ترینیداد.